

نوبنیاد

روزنامه سراسری
صبح ایران

نفوذ؛ منشا خطای محاسباتی مسئولان

آیت الله رجبی رئیس موسسه امام خمینی (ره) و عضو هیات رئیسه مجلس خبرگان رهبری در گفت و گو با نوبنیاد؛ دشمن در راستای تغییر محاسبات مسئولان سعی می کند که در فکر و در اراده مسئولان مداخله کند و دستگاه محاسباتی آنها را مختل کند. به گونه ای که متناسب با خواست دشمن و بر خلاف اهداف و آرمان های مردم و نظام تصمیم گیری کنند. هدف دشمن این است که کشورمان از این راهی که در پیش گرفته برای رسیدن به قله اهداف، کوتاه بیاید.

۲



راه تنفس برای ترامپ

پس از ادعای ترامپ درباره «نهایی شدن توافق» و تأیید تلویحی برخی جزئیات آن توسط خبرگزاری دولت، موجی از انتقادهای نسبت به تکرار الگوی برجام، سکوت رسانه ای و نادیده گرفتن مطالبات راهبردی رهبری و ملت شکل گرفت.

۷

سوالات ۶۰ نماینده از قالیباف و ذوالقدر

۳



خسته نباشید آقای خیابانی!

۸



بازگشایی هرمز؛ نجات ترامپ از باتلاق

علیرضا خوش نویس
روزنامه نگار

در شرایطی که از اسفند ۱۴۰۴ تنگه هرمز عملاً مسدود شده و جریان ۱۵ تا ۲۱ میلیون بشکه نفت روزانه قطع یا به شدت محدود گردیده، آمریکا و متحدانش با بحران واقعی ذخایر مواجه هستند. آژانس بین المللی انرژی در ۲۰ اسفند ۱۴۰۴ بزرگ ترین برداشت هماهنگ تاریخ را اعلام کرد: تزریق ۴۰۰ میلیون بشکه از ذخایر اضطراری کشورها که سهم آمریکا از آن حدود ۱۷۲ میلیون بشکه بود.

متن کامل در صفحه ۶

صفحه ۴

اقتصادی



ورود ۶۰ همت نقدینگی به بورس در ۱۶ روز

بازار سهام سومین هفته خرداد ۱۴۰۵ را با تداوم اقبال خریداران آغاز کرد و شاخص کل بورس، به عنوان نماگر بازار، سقف تاریخی ثبت کرد. علاوه بر شکسته شدن رکورد ارزش معاملات خرد در روز دوشنبه با ۳۷ هزار میلیارد تومان و ورود پول حقیقی، شاخص کل بورس هم رکورد شکنی کرد.

صفحه ۵

اقتصادی



بازار ۹۰۰ میلیارد دلاری پشت دروازه های ایران

سهام ایران از بازار اوراسیا با وجود توافقنامه تجارت آزاد برای ۸۷ درصد کالاها، همچنان زیر یک درصد باقی مانده، فرصتی طلایی که به دلیل ضعف در زیرساخت های لجستیکی، کندی تکمیل کریدور شمال-جنوب و انفعال در بازاریابی فعال، در خطر است.

آیت‌الله رجبی رئیس موسسه امام خمینی (ره) و عضو هیات رئیسه مجلس خبرگان رهبری در گفت‌وگو با نوبنیاد مطرح کرد:

نفوذ؛ منشا خطای محاسباتی مسئولان

مقابله با این بدخواهی‌ها باید همگان با ایستادگی و روشن‌بینی و حفظ وحدت و انسجام و اعتماد متقابل و همدیایی نکردن با دشمن، نقشه‌ی شوم او را خنثی نمایند.» ناظر به این فرمایشات راهبردی رهبر معظم انقلاب با آیه‌الله محمود رجبی رئیس موسسه امام خمینی (ره) و از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم گفتگو کرده‌ایم.



جعفر کاظمی

روزنامه‌نگار

به نظر شما مهم‌ترین نتایج خطای محاسباتی مسئولان چیست؟

یک خطایی که در مصادف با ما دشمنان بسیار مهم است این است که مسئولان ما در شناخت واقعیات صحنه نبرد دچار خطای محاسباتی شود. به این معنا که همه مسائل را در چارچوب موضوعات مادی ببینند و امکانات ما و جبهه مقابل را صرفاً از حیث مسائل مادی بسنجند. چنین مسئولی از سنت‌های الهی و یاری خدا به مومنان غافل شده و حتی اگر به این موضوعات توجه داشته باشد، حساب زیادی روی این موضوعات باز نخواهد کرد.

حالا اگر این خطای محاسباتی رخ داد، این موضوع عوارضی به دنبال خواهد داشت. خیلی روشن است که اگر مسئولی دچار خطای محاسباتی شد در جایی که باید هزینه دهد، هزینه نخواهد داد. در جایی هم که باید مقاومت کند، مقاومت نمی‌کند. در جایی که باید دشمن را تا پیروزی نهایی تعقیب کند، چنین نخواهد کرد. عارضه دیگر خطای محاسباتی مسئولان این است که از تجربه‌های گذشته نیز درس نمی‌گیریم. ما در طول دوران انقلاب اسلامی، تجارب فراوانی در ارتباط با دشمن داشته‌ایم. اگر مسئولان دچار خطای محاسباتی شوند، این تجارب گذشته به کار آنها نخواهد آمد.

به نظر شما علت هشدار صریح رهبر معظم انقلاب در خصوص خطای محاسباتی مسئولان چه بوده است؟

رهبر معظم انقلاب به حق فرمودند که وقتی دشمن در نبرد نظامی و میدان از نیروهای مسلح ما شکست خورد، به جنگ ترکیبی روی آورد و در این جنگ بر روی تاب‌آوری مردم و خطای محاسباتی مردم متمرکز شده است. تاب‌آوری مردم ما به قدری شگفت‌انگیز و در حد اعلا بود که دشمن هم متحیر ماند و تصریح کرد که این ملت را نمی‌توان شکست داد. اینجا موضوع خطای محاسباتی مسئولان مهم می‌شود. در شرایط فعلی که ما در آستانه پیروزی نهایی هستیم و دشمن در آستانه شکست است، مسئولان بیش از هر زمانی آماج توطئه‌پراکنی دشمن هستند هم از جهت نفوذ و هم از جهت تأثیرگذاری بردستگاه محاسباتی آنها. در نتیجه بیش از همیشه احتمال خطای محاسباتی مسئولان مطرح است. از سوی دیگر در شرایط فعلی کوچک‌ترین خطای محاسباتی مسئولان جبران‌ناپذیر است و یک خطای کوچک می‌تواند پیروزی را تبدیل به شکست کند.

آیا مواردی را به خاطر دارید که بتوان آن را مصداق و خروجی خطای محاسباتی مسئولان به شمار آورد؟

ما نمونه خطای محاسباتی مسئولان را در جریان

خبر کوتاه

روایت آیت‌الله مرعشی از مراتب علمی آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای

آیت‌الله سید محمود مرعشی، نسخه‌شناس برجسته و فرزند ارشد آیت‌الله‌شهاب‌الدین مرعشی نجفی (ره) با اشاره به مراتب علمی رهبر معظم انقلاب گفت: روزی در تهران با آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای قرار ملاقاتی داشتیم که بیش از دو ساعت و نیم به طول انجامید. در این جلسه درباره مباحث مختلف حوزوی، اساتید، دروس و تقریرات علمی گفت‌وگو کردیم. وی افزود: در جریان این گفت‌وگوها به تدریج متوجه شدم که ایشان از نظر علمی مطالعات و تحصیلات عمیق و گسترده‌ای داشته‌اند. آیت‌الله‌مرعشی عنوان کرد: این موضوع برای من بسیار شگفت‌انگیز بود و همان روز تصمیم گرفتم که اگر لازم باشد از ایشان دفاع کنم.

حمید رسایی: ما چیز محرمانه‌ای نداریم

نماینده مردم تهران در مجلس در کانال تلگرامی خود درباره عدم شفافیت اخبار مذاکرات نوشت: ما در دو جایک محتوای محرمانه می‌کنیم: ۱. وقتی می‌خواهیم دشمن نفهمد. ۲. وقتی می‌خواهیم دوست متوجه نشود. استدلال هر کدام هم مشخص است. دشمن نباید به اسرار ما پی ببرد. دوست هم وقتی از ضرر ما مطلع شود، ناراحت و گاه عصبانی می‌شود. وقتی مذاکرات با دشمنی به نام آمریکا است، محرمانگی به این دلیل معنا ندارد. وقتی قرار است مذاکره‌کنندگان خطوط قرمز را رعایت کنند، باز دلیلی برای پنهان‌کاری از دوست نیست.

خضریان: رصد جنگنده F۳۵ برای ایران ممکن شده است

نماینده مردم تهران در گفتگوی تلویزیونی شبکه سه اظهار داشت: در نشست‌هایی که با مسئولان ارشد نیروهای مسلح در کمیسیون امنیت ملی داشتیم، اعلام شد با سامانه نوین پدافندی، رصد جنگنده F۳۵ دشمن ممکن شده است. وی همچنین افزود: جمهوری اسلامی ایران در کنار درگیری نظامی با آمریکا و اقدام علیه گروهک‌های تروریستی و پاسخ متناسب به کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، تحرکات دیگری که دشمن در اردن و فراتر از اردن صورت می‌دهد نیز ما مبدأ تجاوز را تنبیه خواهیم کرد.

زارعی: تجربه اشتباه آتش بس بعد از تهدید زیرساختی ترامپ را تکرار نکنید

وزیر ارتباطات دولت شهید رئیسی خطاب به مسئولان مذاکرات نوشت: تجربه اشتباه پذیرش آتش بس بعد از تهدید زیرساختی ترامپ را تکرار نکنید. امام شهیدمان فرمودند اگر تهدید پذیر شدید آسیب‌های جدی خواهید خورد. وی افزود: حتی اگر آمریکا تمام شروط و پیش‌شرط‌های ایران را پذیرفته باشد، اعلام توافق و لو به صورت موقت، بعد از تهدید آن دلنک، یک خطای راهبردی دیگر است. ضمن اینکه هر توافقی باید متضمن شروط رهبر معظم انقلاب باشد.

کنایه قاضی‌زاده هاشمی به عدم موثر بودن مجلس در مذاکرات احتمالی

معاون شهید رئیسی در دولت سیزدهم در حساب کاربری خود در ویراستی نوشت: بر اساس اظهارات سخنگوی وزارت خارجه، ظاهراً مذاکرات به مراحل نهایی خود رسیده است. تقاضای مورد بحث است که مراجع رسمی کشور با درباره آن اظهارنظری نمی‌کنند با جزئیاتش را منتشر نمی‌سازند تا بتوان سنجید چقدر با دهن‌بند مندرج در اطلاعیه شعاع مورد تأکید مقام ولایت، مطابقت دارد. دست‌کم در قضیه برج‌ام بی‌فرجام، مجلسی بود، کمیسیون ویژه‌ای بود، متنی بود.

برجام دیدیم؛ در شرایطی که مسئولان وقت دچار خطای محاسباتی شدند و همه چیز را وابسته به مذاکرات کردند. در حالی که برای رفع تحریم‌ها و امتیاز گرفتن از دشمن به میدان مذاکره رفتند، امتیازات مهمی را به دشمن دادند بدون اینکه امتیازی بگیرند. این به خاطر آن خطای محاسباتی مسئولان وقت بود که فکر کردند می‌توان به وعده‌های دشمن اطمینان کرد. خسارت محض برجام نتیجه خطای محاسباتی مسئولان بود. در برخی از مقاطع جنگ اخیر نیز خطای محاسباتی از بیخ گوش مسئولان ما گذشت و رهبری عزیز انقلاب توانستند توطئه دشمنان را ناکام بگذارند.

چه شرایطی موجب می‌شود که دشمن به خطای محاسباتی مسئولان با ابزار ترس و تردید طمع کند؟

به نظر بنده هر وقت که دشمن می‌خواهد در محاسبات مسئولان ما مداخله کند، همچون مداخلات شیطان، به افرادی طمع می‌کند که تقوا نداشته باشند و به جای درنظر گرفتن خدا، امکانات مادی یا کد خدا را در نظر بگیرند. در این شرایط، دشمنان یا از ابزار ترساندن استفاده می‌کنند یا تطمیع و وعده دادن. اگر مسئول ما به وعده‌های دشمن دلخوش کرد قطعا دچار خطای محاسباتی خواهد شد. اگر مسئولان ما بخواهند از توطئه‌های دشمن مصون بمانند باید درجه تقوای خود را بالا ببرند. اینها است که می‌تواند جلوی خطای محاسباتی را بگیرد.

طبق فرموده رهبر انقلاب، همدیایی نکردن با دشمن در کنار موضوعاتی چون حفظ وحدت و انسجام از جمله راه‌های خنثی‌سازی نقشه‌های شوم دشمنان است. در این باره توضیح بفرمایید.

همدیایی نکردن با دشمن یعنی ببینیم دشمن چه صدایی را بلند می‌کند. دشمن صدای ضعف ما و قدرت ادعایی خودش را بلند می‌کند؛ پس ما باید در نقطه مقابل آن عمل کنیم. هیچ سخنی که نشانی از ضعف و تردید ما دارد نباید توسط مسئولان بیان شود. دشمن می‌خواهد ما مایوس شویم اما در مقابل ما وظیفه داریم امید را در جامعه پمپاژ کنیم. ما در شرایط کنونی برگ‌های برنده‌ای داریم که دشمن می‌خواهد آنها را از ما بگیرد. مسئولان باید برای همدیایی نکردن با دشمن بروی این برگ برنده‌ها تأکید کنند و مراقب آن باشند. تنگه هر یک برگ برنده‌ای است که خدای متعال لطف کرد و باید از آن صیانت کرد. ما امروز داریم به یک ابرقدرت جهانی تبدیل می‌شویم؛ شرط آن این است که مسیر اقتدار را ادامه دهیم.





بایگانی سه‌ماهه طرح مهم نمایندگان در کارتابل معاون قوانین مجلس!



با گذشت بیش از یک‌صدروز از تعطیلی صحن مجلس، بسیاری از طرح‌ها و موضوعات مهم کشور معطل این موضوع باقی مانده است. از جمله موارد بسیار مهم، طرح مدیریت راهبردی تنگه هرمز و حوزه‌هایی بود که مقام معظم رهبری صریحاً بدان اشاره داشتند. تعطیلی که روز گذشته، یکی دیگر از آثار زیانبار آن مشخص شد. مالک شریعتی نماینده مردم تهران در مجلس در پاسخ به سوالی در خصوص مطالبه خروج از آن پی‌تی، دلیل طرح نشدن این موضوع در مجلس را در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس منتشر کرد. وی در این رابطه نوشت: «پس از قطعنامه اخیر ضدایرانی شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، برخی دوستان از سرنوشت طرح سه‌فوریتی حمایت از حقوق هسته‌ای ملت ایران مشتعل بر خروج از NPT پرسیدند» وی در پاسخ به این طرح سوال تصریح کرد: «طرح حدود ۳ ماه است در کارتابل معاون قوانین مجلس است و هنوز برای امضا در معرض رویت نمایندگان قرار نگرفته است!» طرح سه‌فوریتی حمایت از حقوق هسته‌ای ملت ایران در سه محور (اعلام خروج از آن پی‌تی - لغو قانون اقدام متقابل در اجرای برجام - حمایت از پیمان جدید بین‌المللی با کشورهای همسایه (از جمله در شانگهای / بریکس) در توسعه فناوری‌های صلح آمیز هسته‌ای) در اوایل فروردین ماه امسال در سامانه مجلس بارگذاری و به معاون قوانین ارجاع شده بود.

جمعی از نمایندگان مجلس در نامه‌ای به رئیس تیم مذاکرات با آمریکا و دبیر شورای عالی امنیت ملی خواستار توضیح درباره توافق احتمالی با آمریکا شدند

سوالات ۶۰ نماینده از قالیباف و ذوالقدر

جمعی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در نامه‌ای خطاب به محمدباقر قالیباف، رئیس تیم مذاکرات با آمریکا، و محمدباقر ذوالقدر، دبیر شورای عالی امنیت ملی، با اشاره به «تجربه بدعهدی‌های مکرر دولت آمریکا» و ضرورت توجه به «مطالبات و سوالات ملت ایران»، خواستار پاسخگویی درباره متن و فرامتن پیام‌های تاکنون تبادل شده برای توافق احتمالی با دولت آمریکا شدند.

امیرحسین درکی

روزنامه‌نگار

مسئله خسارت‌ها و غرامت‌ها

پرداخته شده است؟ آیا تعهد آمریکا به ارائه برنامه برای تأسیس یک صندوق و ظرف بزرگ، تأمین‌کننده این خط قرمز رهبری خواهد بود؟ آیا منابع آن صندوق به صورت یقینی تأمین می‌شود و بر فرض تأمین، آیا اختیار استفاده از این منابع صرفاً در اختیار ملت ایران است یا آمریکا نیز در نحوه مصرف آن در داخل ایران حق اعمال نظر دارد؟ رهبر انقلاب تصریح کرده‌اند که با غرامت می‌گیریم، یا از اموال متجاوزان برمی‌داریم و یا معادل آن مقابله به مثل خواهیم کرد؛ این مهم چگونه محقق خواهد شد؟

نمایندگان در محور دیگری از این نامه درباره تحریم‌ها تأکید کردند: آیا به‌صراحت قید شده است که علاوه بر لغو همه تحریم‌های کنونی، آمریکا حق ندارد در آینده تحت بهانه‌های مختلف، تحریم‌های جدیدی علیه ملت ایران وضع کند؟ آیا تجربه تلخ وضع تحریم‌های مکرر و جدید پس از توافق برجام، پیش روی ما قرار ندارد؟

در بخش دیگری از این نامه با اشاره به موضوع هسته‌ای آمده است: «معنای عضویت هم‌زمان ایران در پیمان (ان پی تی) (NPT) و سپردن تعهد مجزا به آمریکا در موضوع هسته‌ای چیست؟» نمایندگان همچنین درباره حضور نیروهای آمریکایی در منطقه پرسیدند: «آیا در راستای تأمین شرط اعلامی رهبر انقلاب مبنی بر خروج نیروهای دولت تروریستی آمریکا از منطقه، برسر تعیین دقیق محدوده «محیط پیرامون ایران» توافق خواهد شد؟ شعاع این محدوده چه میزان است؟»

در این نامه همچنین تأکید شده است: آیا ضرورت ندارد که در همان گام نخست توافق، آمریکا و رژیم صهیونیستی رسماً به عنوان متجاوز به حقوق ملت ایران و عاملان شهادت رهبر، مقامات، فرماندهان، دانشمندان و آحاد مردم،

اعم از مردان، زنان و کودکان، شناسایی شوند؟ آیا به پیامدهای سنگین مسکوت گذاشتن این مسئله، توجه کافی شده است؟ نمایندگان بار دیگر در محور بعدی این نامه آورده‌اند: آیا ضرورت ندارد که در همان گام نخست توافق، آمریکا و رژیم صهیونیستی رسماً به عنوان متجاوز به حقوق ملت ایران و عاملان شهادت رهبر، مقامات، فرماندهان، دانشمندان و آحاد مردم، مردان، زنان و کودکان، شناسایی شوند؟

در ادامه این نامه درباره تضمین توافق نهایی آمده است: با توجه به در نظر گرفتن قطعنامه شورای امنیت به عنوان تضمین توافق نهایی و نظریه بدعهدی‌های مکرر دولت تروریستی آمریکا و تجربه خروج ترامپ از برجام، علی‌رغم تأیید آن در قطعنامه الزام‌آور ۲۲۳۱، چه تضمین عینی و عملی دیگری برای اجرای تعهدات آمریکا در متن مذاکرات پیش‌بینی شده است؟

نمایندگان در بخش دیگری از نامه با اشاره به جبهه مقاومت تأکید کردند: با توجه به خط قرمز اعلامی قبلی مبنی بر وحدت ساحات جبهه مقاومت، از جمله حزب الله، قهرمان لبنان، و خبثات اثبات‌شده رژیم صهیونی، تضمین واقعی عدم تجاوز مجدد این رژیم به لبنان از هوا، دریا و زمین و عقب‌نشینی فوری تا مرزهای بین‌المللی و نیز رفع ظلم از مجاهدان قهرمان یمنی و فلسطینی و عراقی و... در جبهه مقاومت چیست؟

در پایان این نامه نیز نمایندگان درباره زمان‌بندی توافق نهایی پرسیدند: با عنایت به مشروط بودن بسیاری از مسائل اصلی به توافق نهایی، آیا زمان دقیق توافق نهایی در متن مذاکرات، معین و معلوم شده است یا امکان تمدید چندباره مهلت ۶۰ روزه و معلق ماندن در شرایط «نه جنگ و نه صلح» متصور خواهد بود؟



اسامی امضاکنندگان

- نیویان ۲. رسایی ۳.
- نادرقلی ابراهیمی ۴.
- ابوالفضل ابوترابی ۵.
- بیگدلی ۶. روانبخش ۷.
- سبزی ۸. مالک شریعتی ۹.
- علیرضا عباسی ۱۰.
- مصطفی طاهری ۱۱.
- ظهوریان ۱۲. محمودی ۱۳.
- نجابت ۱۴. هادیان‌پور ۱۵.
- ثابتی ۱۶. ابوالقاسم جراره ۱۷.
- فاطمه جراره ۱۸. عباس قدرتی ۱۹.
- روح‌الله ایزدخواه ۲۰.
- احمد راستینه ۲۱. بیژن نوباوه ۲۲.
- قائم مقام ۲۳.
- حسینعلی شهیری ۲۴.
- متفکر آزاد ۲۵. دوستعلی ۲۶.
- غلامرضا میرزایی ۲۷.
- زارعی ۲۸. احمد آریایی‌نژاد ۲۹.
- مهدی کوچک‌زاده ۳۰.
- عباس گودرزی ۳۱.
- حامد یزدیان ۳۲. کامران غضنفری ۳۳.
- لاجوردی ۳۴.
- فاطمه محمدبیگی ۳۵.
- رسول بخشی ۳۶.
- دستجردی ۳۷.
- بهرروز محبی ۳۸.
- نخعی‌راد ۳۹.
- محمدنژاد ریسی ۴۰.
- عباس گودرزی ۴۱.
- محمدحسین محمدی ۴۲.
- محمد سراج ۴۳.
- حسن نناج ۴۴.
- تقی‌پور ۴۵.
- پورهقان ۴۶.
- خزریان ۴۷.
- حسین قوروری ۴۸.
- اسماعیل سیاوشی ۴۹.
- احسان عظیمی‌راد ۵۰.
- نقدعلی ۵۱.
- پیمان فلسفی ۵۲.
- بانکی‌پور ۵۳.
- رحمان‌دوست ۵۴.
- احمدی سنگر ۵۵.
- علی خزایی ۵۶.
- محمد رستمی ۵۷.
- صمصامی ۵۸.
- شیرین‌زاد ۵۹.
- قاضی‌زاده ۶۰.
- علیزاده

یادداشت

توافق عزتمندانه یا

تکرار یک تجربه پرهزینه؟

علیرضا تسلیمی

روزنامه‌نگار

در حالی که رسانه‌های دولتی تلاش می‌کنند از متن توافق احتمالی با آمریکا تصویری «دقیق»، «محکم» و مبتنی بر «سوءظن کامل به طرف مقابل» ارائه دهند، آنچه از گزارش منتشرشده برمی‌آید بیش از آنکه نشانه یک توافق متوازن و تضمین‌شده باشد، یادآور تجربه‌ای است که ملت ایران هزینه‌های سنگین آن را پیش‌تر پرداخت کرده است. نخستین پرسش این است که اگر متن توافق تا زمان پذیرش نهایی منتشر نخواهد شد، چگونه می‌توان درباره رعایت کامل منافع ملی و خطوط قرمز اطمینان حاصل کرد؟ ابهامات گسترده موجود در گزارش رسمی، از موضوع تنگه هرمز و رفع محاصره دریایی گرفته تا نحوه آزادسازی دارایی‌های بلوکه‌شده و سرنوشت تحریم‌ها، نشان می‌دهد که هنوز پاسخ روشنی برای بسیاری از مسائل راهبردی وجود ندارد.

نگران‌کننده‌تر آنکه در ادبیات به کاررفته، سخن از «توجه» به خطوط قرمز به میان آمده است؛ عبارتی که با «رعایت» فاصله‌ای معنادار دارد. تجربه گذشته نیز نشان داده است که تغییر واژگان در مذاکرات، گاه مقدمه تغییر در محتوا و عدول از تعهدات اساسی بوده است. از همین رو افکار عمومی حق دارد نسبت به هرگونه توافقی که با ابهام، تفسیرپذیری و فقدان ضمانت‌های روشن همراه باشد، حساسیت نشان دهد.

در بخش اقتصادی نیز وضعیت امیدوارکننده به نظر نمی‌رسد. گزارش منتشرشده از «تضمین‌های روشن» برای آزادسازی منابع مالی سخن می‌گوید اما ماهیت این تضمین‌ها را توضیح نمی‌دهد. حتی در برخی بخش‌ها، نقش تضمین‌کننده به طرف‌های ثالث واگذار شده است؛ موضوعی که این پرسش را ایجاد می‌کند که اگر آمریکا خود متعهد نیست، چه تضمینی برای اجرای تعهدات وجود خواهد داشت؟ همچنین تعیین تکلیف تحریم‌ها به مذاکرات آینده موکول شده و هیچ مانع مشخصی برای اعمال تحریم‌های جدید از سوی واشنگتن دیده نمی‌شود.

از سوی دیگر، سکوت درباره خروج واقعی آمریکا از منطقه، رفع کامل تهدیدات دریایی و تثبیت دستاوردهای میدانی محور مقاومت، این نگرانی را تقویت می‌کند که بخش مهمی از مطالبات راهبردی ایران در متن توافق جایگاه روشنی ندارد. مذاکره زمانی ارزشمند است که نتیجه آن افزایش امنیت، اقتدار و منافع ملی باشد. توافقی که در آن تعهدات ایران روشن و فوری اما امتیازات طرف مقابل مبهم، تدریجی و قابل تفسیر باشد، نه یک دستاورد دیپلماتیک بلکه زمینه‌ساز تکرار تجربه‌ای است که خسارت‌های آن هنوز از حافظه ملت ایران پاک نشده است.

منبر

ابراز نارضایتی برخی مسئولان از

تجمعات شبانه

حجت الاسلام والمسلمین حامد کاشانی سخنران مطرح کشوری درباره اقدامات برخی مسئولین اظهار داشت: در روزهای اخیر برخی مسئولان، چه در اظهارات رسانه‌ای و چه در جلسات خصوصی، تصویری بسیار تیره از شرایط کشور ارائه می‌کنند؛ تصویری که گویی کشور به نقطه فروپاشی، ورشکستگی و ناتوانی کامل در ادامه مسیر رسیده است. کاشانی با بیان اینکه با برخی از این افراد در محافل خصوصی جلسه داشته و حرف‌های آنها را شنیده است اظهار داشت: این افراد در پاسخ به سوال «راهکار چیست؟» مطرح کردند که خیابان نمی‌گذارد تصمیم بگیریم!

عدد خبر

۶۰۰۰

دبیـــــر انجمن تولیدکنندگان زنجیره‌ای گوشت مرغ ایران گفت: براساس آمار موجود، حدود ۶ هزار مرغداری از زمان حذف ارز ترجیحی در نیمه دی‌ماه سال گذشته تا امروز جوجه‌ریزی نکردند؛ این یعنی این واحدها عملاً تعطیل شده‌اند و نیروهایشان با تعدیل شده‌اند یا به کار دیگری رفته‌اند. رضا مبصری افزود: البته در زنجیره‌های بزرگ تولید (از نهاده و خوراک تا جوجه یک‌روزه، مرغداری، کشتارگاه و فرآوری) تاکنون تعدیل نیرو رخ نداده است، زیرا این واحدها به سادگی قابل توقف نیستند و حتی با زیان هم به کار ادامه می‌دهند. واحدهای کوچک خصوصی اما انعطاف‌پذیرند و به راحتی در دوره‌های بی‌بازدهی فعالیت خود را متوقف می‌کنند. مشکلات سرمایه‌برگردش و تأمین جوجه یک‌روزه نیز در این تعطیلی بی‌تأثیر نبوده است.

عدد خبر

۷۰

ر ئیس مؤ سسه تحقیقات علوم دامی کشور گفت: استمرار خشکسالی، محدودیت ظرفیت مراتع، بازنگری در اولویات‌های تحقیقاتی حوزه علوم دامی را ضروری کرده است. حسن خمیس‌آبادی افزود: حدود ۷۰ درصد هزینه تولید محصولات دامی به تأمین خوراک اختصاص دارد و به همین دلیل افزایش بهره‌وری خوراک، تنوع‌بخشی به منابع تأمین آن و استفاده از فناوری‌های نوین باید در کانون تحقیقات این حوزه قرار گیرد. وی با اشاره به نقش فناوری‌های نوین، هوش مصنوعی، تغذیه دقیق و اصلاح نژاد دام‌های بومی در افزایش بهره‌وری، تصریح کرد: امنیت غذایی پایدار در کشور از مسیر دانش‌بنیان کردن تولید، مدیریت بهینه آب و خوراک و بهره‌گیری هوشمندانه از منابع موجود محقق خواهد شد.

عدد خبر

۱۲۰

سایپا در سال ۱۴۰۳ با ۱۲۰ هزار دستگاه تعهد مازاد مواجه بود. تسنیم نوشت: اسناد و گزارش‌های رسمی شرکت سایپا نشان می‌دهد بخش مهمی از چالش‌هایی که سایپا در سال‌های ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ با آن مواجه شد، ریشه در تصمیمات مالی و فروش سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۲ دارد. بر اساس اطلاعات موجود، در سال ۱۴۰۱ تنها ۳۴ هزار دستگاه خودرو تولید شده بود، اما بیش از ۴۶ هزار دستگاه فروخته شده بود. در سال ۱۴۰۲ نیز با وجود تولید حدود ۵۰ هزار دستگاهی شاهین، حدود ۷۲ هزار دستگاه خودرو شاهین (۲۲ هزار دستگاه مازاد بر تولید) از این محصول فروخته شده بود. این وضعیت درباره خودروهای دیگر، مانند اطلس و سهند، نیز رخ داده بود.

عدد خبر

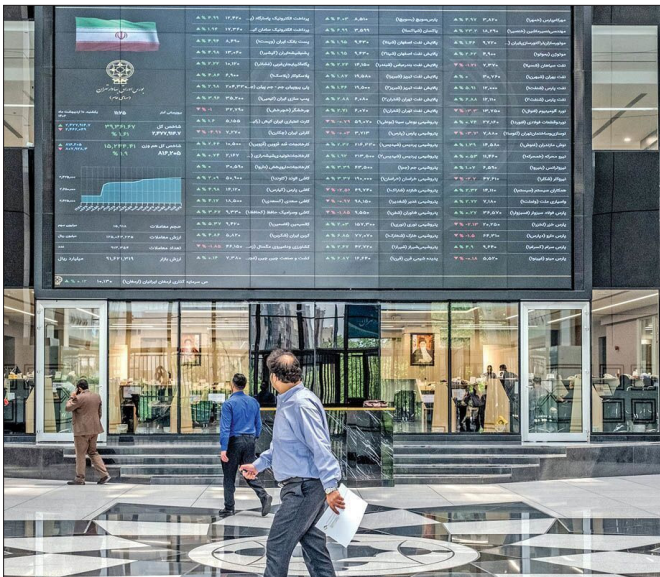
۵۵۷

بر اساس آمار وزارت راه و شهرسازی، از سال ۱۴۰۰ تا ۱۸ خردادماه امسال، ۵۵۷ هزار مستاجر برای وام ودیعه مسکن ثبت‌نام کرده‌اند. از این تعداد، یک میلیون و ۸۹۳ هزار و ۳۸۶ نفر از متقاضیان واجد شرایط برای دریافت وام به بانک‌های عامل معرفی شده‌اند که تا ۱۸ خرداد، یک میلیون و ۳۳۵ هزار و ۹۳۶ نفر (حدود ۷۰ درصد) موفق به دریافت وام ودیعه مسکن شده‌اند. به این ترتیب حدود ۵۵۷ هزار نفر از واجدان شرایط وام ودیعه مسکن در صف دریافت این تسهیلات قرار دارند. در مجموع، طی ۵ سال اخیر، مبلغ قراردادهای امضا شده وام ودیعه مسکن به ۱۵۴ هزار و ۹۵۵ میلیارد تومان رسیده است.

نوبنیاد از هجوم پول‌های سرگردان به بازار سهام گزارش می‌دهد؛

ورود ۶۰ همت نقدینگی به بورس در ۱۶ روز

بازار سهام سومین هفته خرداد ۱۴۰۵ را با تداوم اقبال خریداران آغاز کرد و شاخص کل بورس تهران، به عنوان نماگر بازار، سقف تاریخی ثبت کرد. در روزهای شنبه و یکشنبه هفته گذشته، بیشتر صنایع بورسی قفل در صف خرید بودند، اما در میانه هفته فروش‌ها (عرضه‌ها) افزایش پیدا کرد. با این حال، علاوه بر شکسته شدن رکورد ارزش معاملات خرد در روز دوشنبه ۳۷ هزار میلیارد تومان و ورود پول حقیقی، شاخص کل بورس هم رکوردشکنی کرد.



نیماسهیلی
روزنامه نگار

دوشنبه هفته گذشته، با آغاز درگیری نظامی میان ایران و رژیم صهیونیستی، بازار فرمزپوش شد و شاخص کل بیش از ۶۸ هزار واحد افت کرد. با فروکش کردن التهاب‌ها، بازار در روز سه‌شنبه دوباره به مسیر صعودی بازگشت. شاخص کل با رشد بیش از ۱۱۴ هزار واحدی به سطح ۴ میلیون و ۵۴۰ هزار واحد رسید. شاخص کل در روز چهارشنبه نیز با رشد ۵۲ هزار واحدی از سقف قبلی خود عبور کرد. چهارشنبه، شاخص کل حتی برای دقایقی وارد کانال ۴۰۶ میلیون واحدی شد، اما با افزایش عرضه‌ها، این ناگراندکی پایین‌تر از این سطح تثبیت شد. طی معاملات هفته گذشته، شاخص کل بورس با رشد ۵۰۴ درصدی در نهایت در ارتفاع ۴ میلیون و ۵۹۳ هزار واحد ایستاد. البته شاخص هم‌وزن جلوتر از شاخص کل حرکت کرد؛ به طوری که این ناگراند در پایان سومین هفته خرداد با رشد ۶۰۳ درصدی، در ارتفاع یک میلیون و ۲۳۵ هزار واحد قرار گرفت. میانگین ارزش معاملات خرد بازار سهام به بیش از ۲۲ هزار میلیارد تومان رسید و سهامداران خرد ۱۱ میلیارد تومان پول به بازار تزریق کردند که گروه بانک‌ها، شرکت‌های چندرشته‌ای صنعتی و محصولات شیمیایی بیشترین سهم را در جذب نقدینگی داشتند. بازدهی صنایع تولید کود و ترکیبات نیتروژن و کانی‌های فلزی در هفته گذشته منفی شد. در هفته سوم خردادماه، از مجموع ۲۳۵ نماد دادوستد شد در بازار، ۵۷۰ نماد در مدار صعودی قرار داشتند، اما حدود ۱۶۵ نماد با بازدهی منفی مواجه بودند. با این حال، ۷۷ درصد از شرکت‌های بورسی و فرابورسی در مدار صعود قرار گرفتند و هر نماد به‌طور میانگین ۶ درصد بازدهی مثبت داشت.

رشد ۸۸۰ هزار واحدی شاخص در ۱۶ روز

معاملات سهام بازار سرمایه پس از ۸۰ روز تعطیلی، با آغاز جنگ رمضان از ۹ اسفند سال

گذشته، از ۲۹ اردیبهشت امسال از سرگرفته شد. با این حال، طی ۱۶ روز کاری این بازار در سال جاری، تنها یک روز با افت مواجه شد و در ۱۵ روز دیگر، بازار سراسر سبز بود. شاخص کل بورس تهران، به عنوان نماگر اصلی بازار سهام، در ۱۶ اسفند ۱۴۰۴ و پیش از آغاز تجاوز آمریکایی-صهیونی، در محدوده ۳ میلیون و ۷۱۳ هزار واحد قرار داشت. شاخص کل بورس تهران در ۱۶ روز کاری سال ۱۴۰۵ حدود ۸۸۰ هزار واحد رشد کرد که بازدهی آن به ۲۳۰۷ درصد رسیده است. شاخص هم‌وزن نیز که تصویر دقیق‌تری از وضعیت کلی بازار نشان می‌دهد، بیش از ۲۸۲ هزار واحد، معادل ۲۹۰۶ درصد، رشد کرد و عملکرد بهتری را به نمایش گذاشت. طبق بررسی‌ها، طی ۱۶ روز کاری امسال، ۴۴ هزار میلیارد تومان به چرخه سهام، ۵ هزار میلیارد تومان به صندوق‌های درآمد ثابت و ۱۰ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان به صندوق‌های سهامی وارد شد؛ یعنی مجموع ورود پول حقیقی به بازار از زمان آغاز بازگشایی تا پایان هفته گذشته از ۵۹ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان عبور کرده است. طی ۱۶ روز معاملاتی بازار سهام در سال جاری، بیش از ۹۵ درصد از نمادها به‌طور متوسط ۲۹ درصد بازدهی مثبت ثبت کردند و فقط ۳۳ نماد با بازدهی منفی مواجه بودند.

ورود پول‌های سرگردان به بورس

سعید اسلامی بیدگلی، کارشناس بازار سرمایه، گفت: ارزش معاملات خرد در هفته گذشته در برخی روزها تا حدود ۳۷ همت افزایش یافت و در روز پایانی هفته نیز در محدوده ۳۵ همت قرار داشت؛ ارقامی که از افزایش عمق معاملات و بهبود وضعیت نقدشوندگی بازار حکایت دارد. او درباره اثر تنش‌های ژئوپولیتیک بر روند بورس بیان کرد: با وجود تنش‌های میانه هفته، بازار خیلی سریع آرامش خود را بازیافت و این موضوع نشان داد بخشی از ریسک‌های سیاسی پیش‌تر در قیمت‌ها منعکس شده بود. واکنش سریع بورس به این شوک، حاکی از آن است که فعالان بازار در شرایط فعلی، وزن کمتری به تداوم تنش‌ها در تصمیم‌گیری‌های خود می‌دهند. اسلامی بیدگلی تأکید کرد: بورس نسبت به برخی بازارهای موازی، از جمله طلا، ارز، خودرو و سایر دارایی‌ها، هنوز بخشی از عقب‌ماندگی خود را جبران نکرده بود و همین موضوع سبب

شد بخشی از پول‌های سرگردان به سمت بازار سهام حرکت کند. ورود پول حقیقی به صنایع مختلفی از جمله فلزات اساسی، بانک‌ها، فرآورده‌های نفتی، سیمانی‌ها، دارویی‌ها و غذایی‌ها، نشانه‌ای از گسترده بودن دامنه اقبال در بازار است. در شرایط فعلی، بازارهایی مانند طلا و رمزارزها در کوتاه‌مدت از جذابیت پررنگ گذشته برخوردار نیستند و همین مسئله فرصتی برای بورس فراهم کرده تا بخشی از عقب‌ماندگی خود را جبران کند و دوباره در کانون توجه سرمایه‌گذاران قرار گیرد.

فریب سیگنال فروشان را نخورید

همایون دارابی، کارشناس بازار سرمایه، در گفت‌وگو با نوبنیاد درباره رکوردشکنی‌های اخیر بورس اظهار کرد: رشد اخیر بازار سهام حاصل هم‌افزایی مجموعه‌ای از عوامل است. زمستان سال گذشته و هم‌زمان با اجرای ارزی دولت، شرایط برای رشد بازار سرمایه پیش‌بینی می‌شد، اما تشدید تنش‌های سیاسی موجب شد بازار در بهمن ۱۴۰۴، برخلاف انتظارات، روندی نزولی را تجربه کند. وی افزود: در آن مقطع، شاخص کل بورس از محدوده ۴۰۵ میلیون واحد به حدود ۳۰۷ میلیون واحد کاهش یافت و افت ۸۰۰ هزار واحد را ثبت کرد. پس از بازگشایی بازار و ازسرگیری معاملات، بخشی از این عقب‌ماندگی جبران شد. همچنین بازار حدود ۲۰ درصد از تورم عقب‌مانده بود. دارابی تصریح کرد: نتایج تک‌نرخ‌ی شدن ارز به تدریج در صورت‌های مالی و سودآوری بنگاه‌های بورسی نمایان شده و همین موضوع یکی از مهم‌ترین محرک‌های تقویت بازار سهام است. هم‌زمان با آغاز فصل مجامع، شرکت‌ها سودهای نقدی قابل توجهی تقسیم می‌کنند. مجموعه این عوامل، زمینه‌ساز صعود شاخص کل را فراهم کرده است. وی توصیه به سرمایه‌گذاران تأکید کرد: خوشبختانه در سال‌های اخیر ابزارهای متنوع سرمایه‌گذاری غیرمستقیم در بورس توسعه یافته و انواع صندوق‌های سرمایه‌گذاری برای سرمایه‌گذاران فراهم شده‌اند. افراد نباید تحت تأثیر شایعات و فضا سازی‌های شبکه‌های اجتماعی قرار گیرند. تجربه نشان داده است که در دوره‌های رونق بازار، افراد سودجو با وعده سبدگردانی یا معرفی سهام رانتی وارد میدان می‌شوند و می‌توانند زیان‌های قابل توجهی به سرمایه‌گذاران وارد کنند.

موج خبر

ادامه شوک جنگ به اروپا؛ رشد پایین‌تر، تورم بالاتر

صندوق بین‌المللی پول در جدیدترین ارزیابی خود از وضعیت اقتصادی کشورهای منطقه یورو، پیش‌بینی رشد این منطقه را برای سال ۲۰۲۶ میلادی کاهش داده و هم‌زمان برآورد خود از نرخ تورم را افزایش داده است. این نهاد بین‌المللی هشدار داده است که ادامه جنگ در خاورمیانه و افزایش قیمت انرژی، فشارهای فزاینده‌ای را بر اقتصاد کشورهای اروپایی وارد می‌کند. براساس گزارش صندوق بین‌المللی پول، نرخ رشد اقتصادی مورد انتظار برای سال ۲۰۲۶ به ۰.۹ درصد کاهش یافته است. این در حالی است که پیش‌بینی قبلی صندوق در ماه آوریل سال گذشته، رقم ۱.۱ درصد را نشان می‌داد. در مقابل، صندوق پیش‌بینی خود از نرخ تورم در سال جاری را از ۲.۶ درصد به ۲.۸ درصد افزایش داده و اعلام کرده است که شوک انرژی ناشی از جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران، به تشدید فشارهای قیمتی دامن زده است.

صندوق بین‌المللی پول جنگ علیه ایران را یک «شوک عرضه منفی بزرگ اما موقتی» توصیف کرده و توضیح داده است که این جنگ اعتماد مصرف‌کنندگان و شرکت‌ها را تضعیف کرده و شرایط مالی را سخت‌تر کرده است. در این میان، افزایش قیمت انرژی و هزینه‌های تولید نیز مزید بر علت شده و فشارها را دوچندان کرده است. در این گزارش تأکید شده است که اگر اختلال در تأمین انرژی برای مدت طولانی‌تری ادامه یابد، احتمال دارد تورم به سطوح بالاتری برسد و همچنین انتظارات تورمی در میان خانوارها و بنگاه‌های اقتصادی افزایش یابد؛ موضوعی که کار سیاست‌گذاران پولی را پیچیده‌تر خواهد کرد. صندوق بین‌المللی پول درباره عوامل دیگری که می‌توانند فشار بر اقتصاد اروپا را در دوره آینده تشدید کنند نیز هشدار داده است. از جمله این عوامل می‌توان به ازسرگیری درگیری‌ها در خاورمیانه، تأخیر در بازسازی زیرساخت‌های انرژی یا تشدید جنگ در اوکراین اشاره کرد.

این نهاد بین‌المللی پیش‌بینی کرده است که بانک مرکزی اروپا به سیاست انقباضی پولی خود ادامه خواهد داد و سپس از افزایش اخیر نرخ بهره به میزان ۲۵ واحد پایه، احتمالاً افزایش‌های بیشتری تا مجموعاً ۵۰ واحد پایه دیگر در طول سال ۲۰۲۶ انجام خواهد داد. حتی احتمال افزایش سوم نیز در صورت تداوم فشارهای تورمی وجود دارد. این مؤسسه مالی بین‌المللی توضیح داده است که نرخ‌های بهره ممکن است به سطوح سخت‌گیرانه‌تری نیاز داشته باشند تا مانع از سرایت شوک انرژی به موج گسترده‌تری از افزایش قیمت‌ها در بخش‌های مختلف اقتصاد شود. صندوق بین‌المللی پول در پایان تصریح کرد که اولویت کنونی، حفظ ثبات در انتظارات تورمی و هم‌زمان ادامه اجرای اصلاحات ساختاری با هدف افزایش امنیت انرژی، باال بردن بهره‌وری و تقویت توانایی اقتصاد اروپا در برابر شوک‌های خارجی است.



رکود بازارهای موازی به نفع بورس

همایون دارابی، در بازارهای موازی بورس خبر خاصی وجود ندارد. بازار املاک و خودرو پیش از این رشد قابل توجهی را تجربه کرده‌اند و عملاً از گزینه‌های اصلی خرید خارج شده‌اند. طلا و ارز نیز مدتی است در رکود به سر می‌برند؛ به همین دلیل بخشی از نقدینگی به سمت بازار سرمایه حرکت کرده است. در چنین شرایطی، بازار سهام به یکی از مهم‌ترین گزینه‌های جذب نقدینگی تبدیل شده است. تا زمانی که این وضعیت ادامه داشته باشد و آرامش پس از جنگ در اقتصاد برقرار بماند، بورس به رشد خود ادامه خواهد داد.

نوبنیاد بررسی کرد؛

بازار ۹۰۰ میلیارد دلاری پشت دروازه‌های ایران

سهم ایران از بازار اوراسیا با وجود توافقنامه تجارت آزاد برای ۸۷ درصد کالاها، همچنان زیر یک درصد باقی مانده؛ فرصتی طلایی که به دلیل ضعف در زیرساخت‌های لجستیکی، کندي

تکمیل کریدور شمال-جنوب و انفعال در بازاریابی فعال، در خطر است؛ اما این پرسش مطرح است که چرا اراده‌ای جدی برای بهره‌برداری از این توافق دیده نمی‌شود؟



حمید کمار

روزنامه نگار

در شرایطی که اقتصاد ایران همچنان با محدودیت‌های ناشی از تحریم و کمبود ارز دست و پنجه نرم می‌کند، یکی از مهم‌ترین فرصت‌های اقتصادی کشور در سکوت و بی‌توجهی در حال در دست رفتن است؛ فرصتی به نام «اتحادیه اقتصادی اوراسیا». بازاری متشکل از روسیه، قزاقستان، بلاروس، ارمنستان و قرقیزستان که مجموع واردات سالانه آن صدها میلیارد دلار برآورد می‌شود و از سال‌ها قبل به عنوان یکی از مهم‌ترین مقاصد صادراتی ایران معرفی شده بود. مسیری که در دولت شهید آیت‌الله‌ایبراهیم رئیسی با جدیت دنبال شد، به عضویت ناظر ایران در اتحادیه اوراسیا و در نهایت امضای موافقت‌نامه تجارت آزاد منتهی شد؛ توافقی که از اردیبهشت ۱۴۰۴ اجرایی شده و براساس آن تعرفه حدود ۸۷ درصد کالاهای مبادله‌ای میان ایران و کشورهای عضو به صفر رسیده است. اما پرسش اساسی اینجاست؛ چرا با وجود فراهم شدن چنین بستر کم‌نظیری، سهم ایران از بازار اوراسیا همچنان کمتر از یک درصد باقی مانده است؟

میرانی که با دیپلماتیک به دست آمد

توافق تجارت آزاد با اوراسیا یک اتفاق عادی در تجارت خارجی ایران نبود. این توافق حاصل سال‌ها مذاکره و یکی از مهم‌ترین دستاوردهای دیپلماسی اقتصادی کشور در سال‌های اخیر محسوب می‌شود. در دولت شهید رئیسی، سیاست «توسعه روابط با همسایگان و شرق» به یکی از محورهای اصلی سیاست خارجی تبدیل شد. عضویت دائم ایران در سازمان همکاری شانگهای، پیگیری عضویت در بریکس، توسعه کریدور شمال-جنوب و نهایی شدن توافق تجارت آزاد با اوراسیا همگی در همین چارچوب تعریف می‌شدند. کارشناسان تجارت خارجی معتقد بودند ایران برای نخستین بار موفق شده بدون عضویت در سازمان تجارت جهانی، به یک بازار بزرگ منطقه‌ای با تعرفه‌های ترجیحی دسترسی پیدا کند. حتی برخی این توافق را بزرگ‌ترین تجربه تجارت آزاد در تاریخ اقتصادی ایران توصیف کردند. با این حال، آنچه امروز مشاهده می‌شود فاصله معناداری با اهداف اولیه این توافق دارد.

صادرات رشد کرد، اما نه به اندازه ظرفیت

آمارها نشان می‌دهد اجرای توافق موقت اوراسیا از سال ۱۳۹۸ موجب افزایش صادرات ایران شد. صادرات ایران به کشورهای عضو از حدود ۶۱۵ میلیون دلار در سال ۱۳۹۷ به بیش

از ۱.۷ میلیارد دلار در سال ۱۴۰۲ رسید. این رشد قابل توجه است اما وقتی در کنار حجم عظیم بازار اوراسیا قرار می‌گیرد، تصویر دیگری نمایان می‌شود. براساس گزارش‌های رسمی، سهم ایران از کل واردات کشورهای عضو اتحادیه طی یک دهه اخیر بین ۰.۱۷ تا ۰.۵۸ درصد در نوسان بوده و حتی در بهترین شرایط نیز به حدود نیم درصد رسیده است. به بیان ساده، ایران هنوز نتوانسته از بازاری که برای آن ده‌ها نشست، مذاکره و توافق انجام داده، بهره‌برداری متناسبی داشته باشد.

دولت چهاردهم؛ ادامه مسیر یا توقف در نیمه راه؟

انتظار می‌رفت پس از اجرایی شدن تجارت آزاد دائمی در اردیبهشت ۱۴۰۴، دولت چهاردهم برنامه‌ای گسترده برای افزایش صادرات به اوراسیا ارائه کند؛ اما شواهد نشان می‌دهد چنین اتفاقی رخ نداده است. بخش عمده اخبار منتشرشده درباره اوراسیا همچنان به کاهش تعرفه‌ها، تخفیف‌های گمرکی و آمارهای وارداتی مربوط می‌شود. برای نمونه، رئیس کل گمرک اعلام کرده که در سال گذشته حدود ۴۰۸ میلیارد دلار کالا از کشورهای عضو اوراسیا وارد ایران شده است؛ رقمی که چندین برابر صادرات بهره‌مند از مزایای تعرفه‌ای توافق محسوب می‌شود. این مسئله یک نگرانی جدی را ایجاد کرده است؛ آیا توافقی که قرار بود سکوی جهش صادرات غیرنفتی ایران باشد، به تدریج به دروازه‌ای برای افزایش واردات تبدیل می‌شود؟

حلقه مفقوده: لجستیک و کریدور شمال جنوب

واقعیت آن است که مشکل اصلی امروز نه در متن توافق‌نامه بلکه در اجرای آن قرار دارد. تقریباً همه گزارش‌های رسمی از یک مشکل مشترک سخن می‌گویند: ضعف زیرساخت‌های حمل و نقل و لجستیک. سال‌هاست درباره کریدور بین‌المللی شمال-جنوب سخن گفته می‌شود؛ مسیری که می‌تواند کالاهای ایرانی را با هزینه کمتر و سرعت بیشتر به روسیه و بازارهای شمالی برساند. اما هنوز بخش‌هایی از این مسیر به‌ویژه در حوزه ریلی و زیرساخت‌های مرزی تکمیل نشده است. در حالی که رقبای ایران از جمله ترکیه، چین و حتی برخی کشورهای آسیای مرکزی با سرعت در حال توسعه شبکه‌های حمل و نقل خود هستند، صادرکنندگان ایرانی همچنان با کمبود کانتینر یخچالی، ضعف ناوگان حمل و نقل و هزینه‌های بالای لجستیک مواجه‌اند. نتیجه این وضعیت روشن است؛ تعرفه صفرزمانی ارزش دارد که کالا بتواند با قیمت رقابتی و در زمان مناسب به بازار مقصد برسد.

ظرفیت‌های شمال، راهی برای خنثی‌سازی محاصره

کامران پولادی، نماینده مجلس شورای اسلامی؛ با توجه به تلاش‌های رژیم تروریستی ایالات متحده آمریکا

برای محدودسازی نقش منطقه‌ای ایران و محاصره دریایی، استفاده

از ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی می‌تواند

بسیاری از این مشکلات را حل

کند. استان‌های شمالی، به عنوان

دروازه‌های ارتباطی ایران با اقتصاد

اوراسیا، از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند.

این استان‌ها به واسطه موقعیت

ژئوپلیتیکی خود، همواره به عنوان

نقاط اتصال طبیعی میان ایران، قفقاز،

روسیه و آسیای میانه بوده‌اند و

امروز می‌توانند محور شکل‌گیری نوعی

همکاری نوین میان کشورهای ساحلی

خزر باشند. همچنین،

طرح توسعه کریدور بین‌المللی شمال-جنوب به عنوان یکی

از محورهای مهم، می‌تواند جایگاه

استان‌های شمالی را در نقشه ترانزیتی

کشور تقویت کرده و مسیرهای ارتباطی

ایران با شمال و شمال غرب جهان را

فعال‌تر کند.

یادداشت

سلطه بخش مالی بر اقتصاد

حقیقی؛ زنگ خطر صنعت زدایی

میثم ظهوریان

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس

یکی از چالش‌های مهم چشم‌انداز اقتصاد ایران، واگرایی بخش حقیقی و مالی و حتی سلطه بخش مالی بر بخش حقیقی اقتصاد است. بخش حقیقی شامل تولید کالا و خدمات، اشتغال، سرمایه‌گذاری واقعی و رشد پایدار است، در حالی که بخش مالی به بازارهای پول، سرمایه، بورس و ابزارهای مالی مربوط می‌شود. وقتی این دو بخش از هم واگرا می‌شوند، رشد مالی می‌تواند موهوم و حتی مخرب شود.

تورم بالا، رشد اقتصادی نزدیک به صفر یا منفی تحت تأثیر جنگ و شوک‌های ارزی سال گذشته، از جمله نشانه‌های وجود بحران در بخش حقیقی هستند. در چنین شرایطی، صعود شاخص بازارهای مالی بیشتر ناشی از ورود نقدینگی خارج‌شده از بخش حقیقی و جست‌وجوی پناهگاه در برابر شوک‌های سمت عرضه در اقتصاد ایران است، نه بازتاب رونق واقعی تولید. بسیاری از شرکت‌های بورسی با چالش‌های فروش، هزینه‌های فزاینده و کاهش بهره‌وری دست‌وپنجه نرم می‌کنند، اما قیمت سهامشان تحت تأثیر جو روانی و تزریق پول افزایش می‌یابد. پدیده «سلطه مالی» یا ظهور و رشد بخش مالی و اگر از بخش حقیقی، خطراتی جدی برای اقتصاد ایران دارد که می‌بایست مورد ملاحظه جدی سیاست‌گذاران قرار گیرد:

اول، تخصیص ناکارآمد منابع: سرمایه‌ها به جای ورود به تولید، فسادوری و کمک به ایجاد ارزش افزوده واقعی، در معاملات ثانویه بورس گردش می‌کنند و می‌توانند موجب ایجاد حباب شوند.

دوم، تشدید نابرابری: سهامداران (به‌ویژه حقوقی‌ها و سرمایه‌گذاران بزرگ) سود بیشتری می‌برند، اما خانوارهای عادی با تورم و رکود تولید مواجه‌اند؛ یا دست‌کم فشار ناشی از تورم و رکود برای آنان به مراتب بیشتر از سود حاصل از سرمایه‌های خردشان است. نکته: ۲۰ درصد از سهامداران بزرگ مالک ۹۳ درصد از کل ارزش بازار سهام هستند.

سوم، آسیب به ثبات کلان: رشد مالی بدون پشتوانه حقیقی در بلندمدت می‌تواند به بحران‌های مالی (مانند آنچه در برخی اقتصادهای در حال ظهور دیده شد) منجر شود. البته اصل رشد بازارهای مالی، اگر همراه با بهبود کلی فضای اقتصادی کشور، اصلاحات ساختاری و هدایت نقدینگی به بخش‌های مولد باشد، نکته‌ای مثبت است؛ اما در غیاب متغیرهای پیش‌گفته، رشد بازارهای مالی می‌تواند به موتور مخرب بخش تولید تبدیل شود.

چهارم، صنعت‌زدایی از اقتصاد: نگرانی مهم دیگر، فرایند صنعت‌زدایی در اثر سلطه مالی است. وقتی نقدینگی سرگردان به سمت بازارهای مالی مستقل از بخش حقیقی و بازار دارایی‌های هدایت می‌شود، سرمایه‌گذاری ثابت در بخش صنعتی که موتور رشد بلندمدت اقتصاد است، کاهش می‌یابد. بررسی شاخص‌های اقتصادی نشان می‌دهد اقتصاد ایران در حال حرکت به سمت افول صنعتی است؛ رشد بخش صنعت کند شده، حاشیه سود شرکت‌های تولیدی کاهش یافته و بسیاری از واحدهای صنعتی با چالش تأمین مالی، دسترسی پایدار به انرژی و رقابت نابرابر مواجه‌اند. در چنین شرایطی، با افزایش واگرایی بازارهای مالی از بخش حقیقی، به جای توسعه کارخانه‌ها، فناوری و تجربه تأمین، منابع مالی به سمت معاملات ثانویه بازارهای مالی و دارایی‌های غیرمولد می‌رود. این روند زود هنگام صنعت‌زدایی، اشتغال صنعتی را تهدید می‌کند، وابستگی به واردات را افزایش می‌دهد و ظرفیت تولید واقعی را فرسایش می‌دهد.

بورس می‌تواند موتور تأمین مالی تولید باشد، نه جایگزین آن. برای جلوگیری از سلطه مالی، سیاست‌گذاران باید از طریق کیفیت‌بخشی به نقدینگی (هدایت اعتبار به بخش حقیقی) و حمایت از تولید (به‌ویژه در بخش‌های دارای ارزش افزوده بالا به جای خام‌فروشی)، از طریق مشوق‌های واقعی و پرهزینه کردن سفته‌بازی و دلالتی در اقتصاد، تعادل ایجاد کنند. رشد شاخص بورس، اگرچه در نگاه اول خوشایند است، اما بدون رشد تولید، اشتغال و رفاه، تنها یک «آینه کج» از اقتصاد خواهد بود. اقتصاد ایران نیازمند همگرایی این دو بخش است تا رشد پایدار و فراگیر محقق شود. تنها در این صورت، بازار سرمایه نه منبع نگرانی، بلکه ابزاری برای توسعه واقعی خواهد بود.

بین الملل

تا کر کارلسون: ایران، محدودیت‌های قدرت و نفوذ آمریکا را آشکار کرد

تا کر کارلسون، تحلیلگر سیاسی آمریکایی و مجری سابق شبکه خبری فاکس نیوز، با انتقاد شدید از رویکرد ایالات متحده در قبال ایران، گفت جنگ جاری محدودیت‌های قدرت نظامی آمریکا را آشکار کرده است. به اذعان او، با وجود حجم عظیم منابع و هزینه‌های نظامی ایالات متحده، واشنگتن نتوانسته اهداف اصلی خود را در منطقه محقق کند. کارلسون گفت که با وجود وعده‌های مکرر دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، مبنی بر نزدیک بودن توافق دیپلماتیک با ایران، در نهایت عملیات نظامی از سر گرفته شده است. او گفت دولت آمریکا بارها از دستیابی قریب‌الوقوع به توافق سخن گفته، اما این وعده‌ها در نهایت جای خود را به تشدید دوباره تنش‌های نظامی داده‌اند.

وی همچنین سطح شفافیت درباره این جنگ را زیر سؤال برد و گفت افکار عمومی آمریکا اطلاعات محدودی درباره تلفات، تحولات میدانی و روند واقعی جنگ دریافت کرده‌اند. به گفته او، فقدان گزارش‌های دقیق باعث شده ارزیابی وضعیت واقعی درگیری دشوار شود. بخش دیگری از تحلیل او بر افول قدرت اخلاقی آمریکا متمرکز بود. کارلسون گفت جنایات جنگی آمریکا از جمله حمله به مدرسه میناب به اعتبار بین‌المللی واشنگتن آسیب رسانده و ادعای رهبری جهانی آن را تضعیف کرده است.



اعراب قربانی رویاپردازی خود و آمریکا شدند

پایان سراب سرمایه‌گذاری در کشورهای خلیج فارس

رویای سرمایه‌گذاری‌ها کلان بر روی زیرساخت‌های هوش مصنوعی و توسعهٔ حباب‌وار در منطقه‌ای غرق آشوب که اعراب هم اتفاقاً بخشی از آشوب آن را دامن می‌زدند، در حال از بین رفتن است. بسیاری از شرکت‌های فعال در حوزه‌های بالای تکنولوژی، براساس گزارش فارن افرز، در حال تجدیدنظر در رابطه با مسئلهٔ سرمایه‌گذاری در کشورهای حاشیهٔ خلیج فارس هستند.

جمله جنگ اخیر با ایران است. زمانی که سرمایه‌گذاری‌ها در زیرساخت‌های دیجیتال انجام می‌شوند، بازگرداندن وابستگی‌های شکل گرفته بسیار دشوار است: پروژه‌های زیرساختی فیزیکی چند میلیارد دلاری را نمی‌توان به سادگی خاموش کرد و سرمایه‌ها آن‌ها نیز به راحتی قابل توزیع مجدد نیست؛ به‌ویژه زمانی که این پروژه‌ها به عنوان پایه‌ای برای یکی از ارزشمندترین فناوری‌های جهان عمل می‌کنند. هزینه‌هایی که اکنون شرکت‌ها، مصرف‌کنندگان و منافع امنیت ملی آمریکا با آن روبه‌رو هستند، احتمالاً تداوم یافته یا حتی افزایش خواهد یافت. برخی از پروژه‌ها از هم‌اکنون به این نقطه بی‌بازگشت رسیده‌اند و شرکت‌ها احتمالاً چاره‌ای جز تقبل این هزینه‌ها و تحمل ضرر نخواهند داشت.

به باور فارن افرز، جنگ روسیه و اوکراین و ایران و آمریکا نشان داد که رویای پدافند نفوذناپذیر وجود ندارد و خلیج فارس هم دیگر برای سرمایه‌گذاران گزینهٔ معتبری نیست «برای بسیاری از شرکت‌ها، محاسباتی که در ماه مه ۲۰۲۵ منطقه خلیج فارس را جذاب جلوه می‌داد، دیگر معتبر نیست. هیچ راه واقع‌بینانه‌ای برای محافظت از یک مرکز داده تجاری در برابر موشک‌های کروز یا هجوم زیرپرنده‌ها و پهپادها وجود ندارد. بازسازی و تجهیز یک مرکز داده تجاری به گونه‌ای که مانند یک تأسیسات نظامی عمل کند، هم به شدت هزینه‌بر خواهد بود و هم در نهایت ناکارآمد است. همان‌طور که سال‌ها جنگ میان روسیه و اوکراین ثابت کرده است، هیچ پدافند هوایی نمی‌تواند ۱۰۰ درصد حملات ورودی راه‌گیری کند و زیرساخت‌های هوش مصنوعی برای ارائه ارزش تجاری خود باید تقریباً به‌طور مداوم و بدون وقفه فعال باشند.»

مصنوعی آمریکا را تسریع بخشد و کشورهای منطقه را ترغیب کند تا در زمینه هوش مصنوعی کمتر با چین همکاری کنند». تمام این رویاها اما با آغاز تجاوز علیه ایران فروپاشید «زیرساختی که چنین فناوری حیاتی و مهمی به آن وابسته است، اکنون مورد حمله قرار گرفته و در آتش جنگی گرفتار شده که برای آن آماده نبوده است. در اول مارس، ایران دو مرکز داده «خدمات وب آمازون» AWS در امارات را با رگباری از پهپادهای شاهد هدف قرار داد؛ یک تأسیسات دیگر AWS در بحرین نیز احتمالاً بر اثر ترکش‌های ناشی از یک حمله در همان نزدیکی آسیب دید. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ادعا کرد که این تأسیسات از عملیات‌های نظامی آمریکا در حوزه هوش مصنوعی پشتیبانی می‌کردند، موضوعی که طبق قوانین درگیری‌های مسلحانه، می‌تواند آن‌ها را به اهدافی مشروع تبدیل کند.

به باور فارن افرز، اشتباه واشنگتن بود که تصور می‌کرد منطقهٔ رویایی خود را برای سرمایه‌گذاری پیدا کرده است و اکنون باید با قبول ضرر، بسیاری از این سرمایه‌گذاری‌ها مورد تجدیدنظر قرار بگیرند «شرط بندی آمریکا روی خلیج فارس برای توسعه زیرساخت‌های هوش مصنوعی یک اشتباه بود. واشنگتن با تشویق شرکت‌های آمریکایی به ساخت زیرساخت‌های حیاتی، آسیب‌پذیر و غیرقابل انتقال در این منطقه، روی یک محیط امنیتی بی‌ثبات قمار کرد؛ محیطی که بی‌ثباتی آن، دست‌کم تا حدودی، نتیجه مداخلات خود ایالات متحده از



احسان میرباقری

روزنامه‌نگار

قمار آمریکایی در منطقه

شرط بندی آمریکا روی خلیج فارس برای توسعه زیرساخت‌های هوش مصنوعی یک اشتباه بود. واشنگتن با تشویق شرکت‌های آمریکایی به ساخت زیرساخت‌های حیاتی، آسیب‌پذیر و غیرقابل انتقال در این منطقه، روی یک محیط امنیتی بی‌ثبات قمار کرد؛ محیطی که بی‌ثباتی آن، دست‌کم تا حدودی، نتیجه مداخلات خود ایالات متحده از جمله جنگ اخیر با ایران است.

یادداشت

بازگشایی هرمز؛

نجات ترامپ از باتلاق

علیرضا خوش‌نویس
روزنامه‌نگار

در شرایطی که از اسفند ۱۴۰۴ تنگه هرمز عملاً مسدود شده و جریان ۱۵ تا ۲۱ میلیون بشکه نفت روزانه قطع یا به شدت محدود گردیده، آمریکا و متحدانش با بحران واقعی ذخایر مواجه هستند. آژانس بین‌المللی انرژی در ۲۰ اسفند ۱۴۰۴ بزرگ‌ترین برداشت هماهنگ تاریخ را اعلام کرد: تزریق ۴۰۰ میلیون بشکه از ذخایر اضطراری کشورها که سهم آمریکا از آن حدود ۱۷۲ میلیون بشکه بود.

این بافر موقتی با سرعت روزانه حدود ۲۰،۵ میلیون بشکه وارد بازار شد تا جلوی سقوط کامل اقتصاد غربی گرفته شود، اما حالا به پایان خود نزدیک است. ذخیره استراتژیک نفت آمریکا هم به حدود ۳۴۹ میلیون بشکه رسیده که پایین‌ترین سطح در سال‌های اخیر به شمار می‌رود و برداشت‌ها همچنان ادامه دارد. طبق هشدارهای فاتح بیرویل، رئیس آژانس بین‌المللی انرژی، این بافر تا اواسط تیر ۱۴۰۵ تمام می‌شود و از آن تاریخ به بعد بازار بدون آن ۲۰،۵ میلیون بشکه اضافی روزانه وارد منطقه قرمز کمبود شدید خواهد شد؛ درست در اوج تقاضای تابستانی که مصرف بنزین و سوخت هواپیما به شدت بالا می‌رود. در چنین نقطه بحرانی، هرگونه توافق موقت که جریان نفت از تنگه هرمز را حتی به صورت جزئی و موقتی باز کند، عملاً یک نجات بزرگ برای آمریکاست.

این توافق به واشنگتن فرصت می‌دهد ذخایر رو به اتمام خود را حفظ کند، قیمت بنزین را در داخل کشور پایین بیاورد، تورم را مهار نماید و فشار سیاسی قبل از انتخابات را کاهش دهد. آمریکا با این ترفند، بدون پذیرش شکست نظامی، فشار نفتی سنگینی را که تنگه هرمز بر اقتصادش وارد کرده بود، برمی‌دارد و زمان لازم برای بازسازی نیرو، هماهنگی با متحدان و آماده‌سازی دور بعدی عملیات را به دست می‌آورد. این دقیقاً همان چیزی است که باید با بدبینی و انتقاد شدید به آن نگرست. هر توافقی که فشار واقعی ناشی از تنگه هرمز را از روی شانه‌های آمریکا بردارد، نه یک گام صلح‌آمیز، بلکه ابزاری تاکتیکی برای تنفس موقت است تا بعداً با قدرت بیشتر جنگ را از سر بگیرند.

آمریکا در حال حاضر به شدت به این باز شدن موقت جریان انرژی نیاز دارد چون ذخایرش در حال تمام شدن است و نمی‌تواند بدون آن وارد تابستان پرمصرف شود، اما بعد از پر کردن انبارها و تثبیت موقعیت، احتمال بازگشت به سیاست تشدید و حمله دوباره بسیار بالاست. این بازی تکراری قدرت‌های غربی است: وقتی ذخایرشان به لبه پرتگاه می‌رسد، از راه دیپلماسی موقت استفاده می‌کنند تا اهرم فشار را از دست ایران بگیرند، سپس در اولین فرصت مناسب دوباره به سمت جنگ و بی‌ثباتی حرکت می‌کنند.

یادداشت

اعتراف دشمن،
هشدار دوستامیرشهبهانی
روزنامه‌نگار

از مسکو تا پکن و از محافل دانشگاهی غرب تا اتاق‌های فکرو مجامع دانشگاهی روابط بین‌الملل، بسیاری با تعجب به کشوری می‌نگرند که علی‌رغم برخورداری از توان علمی، فنی و صنعتی لازم، سه دهه در برابر فشارها از عبور به سمت بازدارندگی هسته‌ای خودداری کرد. با این حال این کشورها به خوبی می‌بینند که در مقابل ایران نه امنیت دریافت کرد، نه رفع تحریم، نه احترام به حاکمیت ملی و نه حتی مصونیت از جنگ و ترور. آژانس بارها اعلام کرد مدرکی دال بر انحراف برنامه هسته‌ای ایران به سمت اهداف نظامی وجود ندارد. با این وجود ایران همواره صبر استراتژیک یا خویشتنداری را انتخاب کرده است. نتیجه آن خرابکاری در تأسیسات هسته‌ای، ترور ده‌ها دانشمند، حملات نظامی و نهایتاً ترور رهبر انقلاب اسلامی ش... طبیعی است که پس از چنین تجربه‌ای، مطالبه بازنگری در دکرترین هسته‌ای کشور در گوشه و کنار کشور دیده می‌شود.

سال‌ها یکی از استدلال‌های مخالفان این بازنگری آن بود که روسیه و چین نیز همانند غرب با چنین تغییری مخالفت خواهند کرد. اما اظهارات اخیر سرگئی لاوروف این فرضیه را با چالش جدی روبه‌رو کرد. وزیر خارجه روسیه با اشاره به تجاوز آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران تصریح کرد «اگر عاملی می‌توانست نگرش نخبگان و جامعه ایران را نسبت به اصل عدم برخورداری از سلاح هسته‌ای تغییر دهد، همین حملات و اقدامات غیرقانونی بود.» لاوروف سپس به تجربه لیبی و کره شمالی اشاره می‌کند؛ دو نمونه که هرکدام به شکلی متفاوت یک حقیقت تلخ را آشکار می‌کنند. لیبی برنامه خود را کنار گذاشت و سرنوشت قذافی به آن شکل رقم خورد. کره شمالی مسیر بازدارندگی را برگزید و هیچ قدرتی جرئت تعرض مستقیم به آن را پیدا نکرد. این سخنان نه از زبان یک مقام ایرانی، بلکه از زبان وزیر خارجه روسیه یکی از بزرگ‌ترین قدرت‌های جهان و بزرگترین قدرت اتمی جهان بیان شده است.

جالب‌تر آنکه همزمان مارکو روبریو نیز ناخواسته بخش دیگری از واقعیت را فاش کرد. او در جلسه استماع سنا با نگرانی گفت اگر ایران به سلاح هسته‌ای دست یابد، آمریکا و اسرائیل دیگر «نمی‌توانند کاری انجام دهند». این جمله در واقع اعترافی آشکار به فلسفه بازدارندگی است. امروز حتی بسیاری از ناظران خارجی به این جمع بندی رسیده‌اند که غرب، پاداش خودداری ایران از ساخت سلاح هسته‌ای را نه با اعتمادسازی و احترام، بلکه با تحریم، ترور و جنگ پرداخت کرد. در چنین شرایطی، شاید مهم‌ترین پرسش پیش روی سیاست‌گذاران ایرانی این باشد که آیا وقت بازنگری در دکرترین هسته‌ای و خروج از NPT نرسیده است؟

توافق در زمان
اشتباهی!

چرا در زمانی که ذخایر راهبردی انرژی غرب با سرعتی بی‌سابقه در حال کاهش است و معتبرترین مؤسسات بین‌المللی از احتمال نفت ۲۰۰ دلاری و رکود جهانی سخن می‌گویند، ایران باید اهرم‌های بالفعل خود را با وعده‌های نسبی برای آینده معاوضه کند؟ تفاهم ادعایی بیش از آنکه حاصل برتری طرف مقابل باشد، محصول ضعف در جنگ روایت‌ها، سکوت رسانه‌ای و تکرار همان الگوی پرهزینه‌ای است که یک دهه پیش با نام برجام تجربه شد؛ الگویی که این بار در سایه ۱۰۳ روز مقاومت و هزینه‌های سنگین ملت ایران، حساسیت‌ها نسبت به آن چند برابر شده است.

پس از ادعای ترامپ درباره «نهایی شدن توافق» و تأیید تلویحی برخی جزئیات آن توسط خبرگزاری دولت، موجی از انتقادات نسبت به تکرار الگوی برجام، سکوت رسانه‌ای و نادیده‌گرفتن مطالبات راهبردی رهبری و ملت شکل گرفت

راه تنفس برای ترامپ

حالی سخن از «تفاهم پایان جنگ» به میان آمده که نه شروط راهبردی ایران تأمین شده و نه دستاوردهای ۱۰۳ روز مقاومت ملی و ۴۰ روز نبرد قهرمانانه در آن بازتاب یافته است.

ادعای دونالد ترامپ درباره نزدیک بودن امضای توافق با ایران و تأیید تلویحی برخی مفاد آن از سوی خبرگزاری رسمی دولت، باردیگر خاطره تلخ برجام را زنده کرده است؛ توافقی که جزئیاتش از مردم پنهان ماند و اکنون نیز در



محسن فرهمند

روزنامه‌نگار

منطق اشتباه از چندین جهت قابل نقد است. اولاً اشاره به آزادی بخشی از پول‌های بلوکه شده به عنوان امتیاز نقد دارد، این درحالی است که گرفتن بخشی از پول‌های ایران در برابر امتیاز داده شده به دشمن مثل معامله در برابر آب نبات است. طرف مقابل به بازار انرژی خود تنفس می‌دهد و امتیاز راهبردی دریافت می‌کند درحالی که ایران تنها برای گذراندن چند روز معیشت خود چنین برگ برنده‌ای را به دشمن تحویل می‌دهد. دوماً و بدتر از این موضوع آن است که مشاور دکتر قالیباف اعتراف می‌کند که آمریکا مذاکرات را برهم می‌زند اما با علم به این موضوع تیم مذاکره‌ای حاضر است برای دریافت برخی امتیازات غیرراهبردی که آن هم همچنان با مخالفت آمریکاروبه روست پای چنین تفاهم لبرزان و سستی را امضا نماید.

شروط ده‌گانه‌ای که دیده نمی‌شوند

علاوه بر این بخش عمده انتقادات متوجه فاصله میان مفاد منتشرشده توسط رسانه‌های نزدیک به دولت و شروط راهبردی مطرح‌شده پس از آغاز آتش بس موقت است. شروط ده‌گانه‌ای شورای عالی امنیت ملی که به تأیید رهبری و تأکید ایشان رسیده است، شامل مواردی چون حفظ کنترل راهبردی تنگه هرمز، پایان جنگ علیه تمامی اجزای محور مقاومت، خروج نیروهای آمریکایی از منطقه، دریافت کامل غرامت، رفع تمامی تحریم‌های اولیه و ثانویه، لغو قطعنامه‌های شورای امنیت، آزادسازی کامل دارایی‌های بلوکه شده و نهایتاً تصویب همه این موارد در قالب قطعنامه الزام‌آور شورای امنیت بود. اما در متن‌های منتشرشده، نه خبری از خروج نیروهای آمریکایی دیده می‌شود، نه تضمینی برای لغو کامل همه تحریم‌ها وجود دارد و نه تعهدی قطعی درباره غرامت یا قطعنامه‌های بین‌المللی. حتی در موضوع تنگه هرمز نیز اگرچه تأکید شده مدیریت آن واگذار نخواهد شد، اما بسیاری از تحلیلگران معتقدند بازگشت تدریجی شرایط به وضعیت پیش از جنگ، فاصله محسوسی با مطالبات راهبردی ایران پس از نبرد اخیر دارد. از سوی دیگر، منتقدان به اظهارات و مواضع اخیر رهبر

هنوز چند ساعت از ادعای جنجالی دونالد ترامپ نگذشته بود که فضای رسانه‌ای و افکار عمومی کشور با پرسش‌های متعدد و نگرانی‌های گسترده مواجه شد. رئیس‌جمهور آمریکا که طی روزهای گذشته از تهدید به بمباران زیرساخت‌های ایران، تشدید محاصره دریایی و حتی طرح اشغال جزیره خارک سخن گفته بود، شامگاه پنجشنبه ۲۱ خردادماه مدعی شد: «با توجه به اینکه مذاکرات با جمهوری اسلامی ایران به بالاترین سطح رسیده و مورد تأیید قرار گرفته است، من حملات و بمباران‌های برنامه‌ریزی‌شده امشب علیه ایران را لغو کردم.» ترامپ پا را فراتر گذاشت و نوشت: «نکات نهایی توافق، هم از نظر چارچوب کلی و هم جزئیات کامل، توسط آمریکا، اسرائیل، عربستان، امارات، قطر، ترکیه، پاکستان، بحرین، کویت، اردن، مصر و دیگران تأیید شده است.» وی همچنین در گفت‌وگو با نیویورک پست مدعی شد متن جمع بندی شده و «به زودی در اروپا امضا خواهد شد»

این ادعاها در شرایطی مطرح شد که سکوت خسارت بار خبری در داخل کشور، تردیدهای فراوانی درباره صحت آن ایجاد کرده بود؛ اما انتشار گزارشی از سوی خبرگزاری رسمی دولت، ایرنا و صحبت‌های مشاور رئیس تیم مذاکره‌کننده عملاً احتمال وجود یک تفاهم یا یادداشت توافق را تقویت کرد.

ماجرای یک منطق غلط

در همین چارچوب، مهدی محمدی، مشاور رئیس مجلس شورای اسلامی بدون آنکه اصل مذاکرات و توافق موقت و نامتوازن را زیر سوال ببرد مدعی شد: «از دشمن تحقیرشده می‌شود امتیاز گرفت اما امتیازی که می‌گیرید باید طوری باشد که فردا که مذاکره به هم خورد امتیازی که گرفته‌اید باقی بماند.» وی ادامه داد: «ما به دشمن امتیاز اساسی نمی‌دهیم و امتیاز نقد می‌گیریم و می‌دانیم که بعدش مذاکره به هم می‌خورد، مهم این است که در لحظه اول چیز اساسی بگیریم» این

خسته نباشید آقای خیابانی!

سعید مصباح
روزنامه‌نگار

بازنشستگی جواد خیابانی پس از ۳۵ سال حضور در صداوسیما، پایان یک دوره برای رسانه ملی و خاطره جمعی چند نسل از فوتبال‌دوستان ایرانی است. در روزگاری که بسیاری از چهره‌های رسانه‌ای مسیرهای متفاوتی را برگزیدند، خیابانی تا آخرین روز فعالیت خود به همان تریبونی وفادار ماند که از دل آن رشد کرده بود و به شهرت رسید. فارغ از قضاوت‌ها درباره سبک گزارشگری یا اجراهای او، نمی‌توان انکار کرد که جواد خیابانی یکی از شناخته‌شده‌ترین صداهاهای ورزش ایران بود. میلیون‌ها ایرانی مسابقات مهم فوتبال را با صدای او دنبال کردند؛ از بازی‌های تیم ملی گرفته تا رقابت‌های بزرگ جهانی. برای بسیاری از فوتبال‌دوستان، خاطرات شیرین و تلخ فوتبال ایران با لحن، هیجان و احساسات او درآمیخته است. بعد از گذشت ۲۸ سال کمتر کسی است که با شنیدن چندباره گزارش دیدار ایران و استرالیا در مقدماتی جام جهانی ۹۸ دچار شغف و هیجان نشود.

یکی از ویژگی‌های برجسته خیابانی، حس پررنگ تعلق ملی بود که در سال‌های طولانی فعالیتش به مخاطبان منتقل می‌کرد. او در گزارش‌های خود تلاش می‌کرد شور حمایت از تیم ملی و احساس همبستگی ملی را به بینندگان منتقل کند. شاید به همین دلیل باشد که نام او بیش از هر چیز با مسابقات تیم ملی فوتبال ایران گره خورده است.

در سال‌های اخیر نیز، با وجود برخی انتقادها، شوخی‌ها و حتی نامهربانی‌هایی که متوجه او بود، کمتر دیده شد که خیابانی وارد جدال‌های رسانه‌ای شود یا در برابر منتقدان جبهه‌گیری تندی کند. او ترجیح داد مسیر خود را ادامه دهد و در همان جایگاهی که سال‌ها برایش زحمت کشیده بود باقی بماند.

امروز با پایان رسمی فعالیت او در رسانه ملی، می‌توان فارغ از همه اختلاف‌نظرها، برای سه دهه و نیم تلاش مستمرا احترام قائل شد. جواد خیابانی بخشی از حافظه رسانه‌ای ورزش ایران است؛ صدایی که نسل‌های مختلف با آن فوتبال را شناختند، بردها را جشن گرفتند و شکست‌ها را تحمل کردند. این سرمایه نمادین، چیزی نیست که با یک حکم بازنشستگی به پایان برسد. برای جواد خیابانی که سالها باشرافت و عشق برای ورزش‌دوستان ایرانی خاطرات خوش رقم زد و هیچ‌گاه به وطن لگد نزد، آرزوی سلامت و عمر باعزت داریم.

فیلم و سریال سازی در ایران غیرممکن می‌شود؟

تیشه دستمزدهای پلتفرمی به ریشه سینما و تلویزیون

نرخ بازیگران، کارگردانان و عوامل کلیدی جهش کرد. منتقدان می‌گویند این رقابت، بازار را از تعادل خارج کرده؛ بازیگری که با دستمزد مشخصی در سینما کار می‌کرد، حالا با استناد به قرارداد‌های پلتفرمی چند برابر همان رقم را مطالبه می‌کند.



محمد قربانی

روزنامه‌نگار

محمد مهدی اسماعیلی، وزیر وقت فرهنگ ارشاد اسلامی، در سال‌های مدیریتش چند بار از «دستمزدهای نجومی» در حوزه نمایش خانگی انتقاد کرد و خواستار شفافیت شد. اما این پیگیری‌ها پس از او ادامه پیدا نکرد. تا این که امروز دیگر مسئله فقط گرانی تولید نیست؛ پیامد مهم‌تر، حذف تدریجی تولیدکنندگان مستقل، ستاره‌سالاری و ضعیف شدن کیفیت فیلمنامه و ساختار تولید است.

بازار شبکه نمایش خانگی در ایران ازمزمانی دچار التهاب شد که پلتفرم‌ها فهمیدند برای نگه داشتن مشترک، بیش از هر چیز به «چهره» نیاز دارند. در غیاب آمار شفاف فروش، تعداد واقعی مشترکان و میزان بازگشت سرمایه، رقابت بر سر ستاره‌ها به ساده‌ترین راه جلب توجه تبدیل شد. نتیجه روشن بود: دستمزد بازیگران و برخی کارگردانان، براساس توان مالی پلتفرم و ترس از عقب ماندن در رقابت تعیین شد. این انتقاد در سال‌های اخیر بارها در رسانه‌های رسمی و صنفی مطرح شده است. رسانه‌های مختلفی در سالهای اخیر، در گفت‌وگو با تهیه‌کنندگان سینما، از جهش دستمزدها در شبکه نمایش خانگی گزارش داده‌اند. اخیرا یکی از کارگردانان مشهور در یک مصاحبه به ده برابر شدن دستمزد بازیگران پلتفرم طی دو سال اشاره کرده است.

پلتفرم‌ها با پیشنهاد رقم‌های بالا، نظام دستمزد در سینما و تلویزیون را به هم زده‌اند. تهیه‌کننده‌ای که می‌خواهد یک فیلم اجتماعی یا یک سریال متوسط بسازد، حالا باید با نرخ‌هایی رقابت کند که در پروژه‌های پرخرج شبکه خانگی شکل گرفته‌اند. محمد مهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت سیزدهم، از جمله معدود مدیران

پدرش در ۹۵ سالگی بازنشسته شده است. با این حال، اسکات می‌گوید هرگز چنین سخنی را مستقیماً از دهان پدرش نشنیده و همچنان به ادامه فعالیت حرفه‌ای او بسیار امیدوار است. این اظهارات در حالی مطرح می‌شود که ایستوود، به‌عنوان متحد هم‌حزبی ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶ آخرین تجربه کارگردانی خود را با درام دادگاهی («هیئت منصفه شماره ۲») در سال ۲۰۲۴ و آخرین حضور بازیگریش را با وسترن («گریه کن ماچو») در ۲۰۲۱ تجربه کرده است. شاید کمپانی برادران وارنر که دهه‌ها خانه اصلی این هنرمند بوده، پروژه‌ای جدید در دست داشته باشد تا او همچنان بتواند پشت دوربین قرار بگیرد. البته کلینت ایستوود، سوای آثار خوب و پخته‌اش در سینما به‌عنوان یک جمهوری‌خواه شناخته می‌شود که هیچ ابایی از نمایش قدرت خانمان‌سوز آمریکا ندارد و شاید همین موضوع باعث شده هالیوود علاقه‌ای به بازنشستگی او نداشته باشد.



اسکات ایستوود، پسر کلینت ایستوود شایعات اخیر مبنی بر بازنشستگی این فیلمساز ۹۶ ساله از دنیای سینما را به طور کامل رد کرد و آن‌ها را بی‌اساس دانست. پیش‌تر کابل ایستوود، دیگر پسر کلینت، در مراسمی اعلام کرده بود که

■ صاحب امتیاز:

محسن منصوری

■ مدیر مسئول:

حمیدرضا بیانی

■ کدپستی:

۱۵۹۸۹۷۵۷۱۵

■ آدرس: خ سپهبد قزنی خ شاداد پلاک ۲۲ واحد پنج
■ چاپخانه: صمیم

nobonyadonline nobonyadonline

n o b o n y a d o n l i n e . i r

فرهنگ

C U L T U R A L

■ شنبه ۲۳ خرداد ۱۴۰۵ ■ سال اول ■ شماره ۶۲

یادداشت

مهمانان سفره‌آماده، غایبان روزهای سخت

ایمان عظیمی

روزنامه‌نگار

چندی پیش از زبان آدم معروفی که اکنون نام او را فراموش کردم نقل قولی می‌خواندم که در توضیح این یادداشت بسیار به کار می‌آید؛ او می‌گفت، کسانیکه در لحظات شکست با ما نبودند، حق ندارند طعم شیرین پیروزی را با ما بچشند. متأسفانه اکثر سلبریتی‌ها و چهره‌های رسانه‌ای معروف داخلی از این قسم افراد محسوب می‌شوند، زیرا وقتی به حضورشان نیاز است پشت پرده دیوار سکوت پنهان می‌شوند و دوستانشان را تنها می‌گذارند. حال اگر اوضاع آرام و به کام باشد، این افراد هرطور شده وارد گود می‌شوند و در کسب غنایم خود را سهیم دانسته و هر جا که دوربینی باشد حاضر و آماده‌اند.

سریال «صفا با خانواده»-که در حال حاضر نزدیک به ایستگاه پایانی قرار دارد-یکی از معدود آثار انضمامی در مورد جنگ دوازده‌روزه است. «منوچهر هادی» کارگردان شناخته‌شده و نسبتاً جنجال‌آفرین سینما و تلویزیون که وظیفه ساخت این اثر را بر عهده دارد، در گفت‌وگو با یک تلویزیون اینترنتی از بازیگران مجموعه‌اش گلایه کرده که چرا اصلاً پشت اثر درنیامده و هیچ حرفی در مورد آن نزنده‌اند؛ آن‌هم در حالی که صفا با خانواده به‌صورت رایگان و سراسری پخش می‌شود و خواه ناخواه مخاطبان میلیونی دارد.

در صدر بازیگران صفا با خانواده، باید از «احمد مهرانفر» به‌عنوان بازیگر اصلی انتظار داشت که وظایفش را در قبال شبکه و عوامل انجام دهد، نه آن‌که به خاطر ترس از چت‌بات‌ها و افراد ناآگاه در شبکه‌های مجازی هیچ نگوید و تنها به حاضر شدن کنار سفره به خوردن و آشامیدن مشغول شود. می‌توانیم از آثار منوچهر هادی خوش‌مان بیاید یا حتی به کل آن را به حساب نیاورده و از ابتدا تا انتهایش را نقد کنیم، اما نمی‌توانیم از این موضوع بگذریم که او در جایگاه یک کارگردان شناخته‌شده، پس از وقوع جنگ دوازده‌روزه جلوی دوربین خبرنگاران در جشنواره فیلم فجر حاضر شد و به خائنان و هم‌میتور سلبریتی‌های بی‌معرفت حمله کرد. ای کاش احمد مهرانفر، حداقل در بُعد رسانه‌ای مانند مورد پایتخت عمل می‌کرد و چند پست و استوری را خرج کشورش می‌کرد تا تنها مهمان ضیافت نباشد.